



# مجله حقوق قرمز



دوره ۹ - شماره ۲۷ - بهار ۱۴۰۵

- بار اثبات دعوا در داوری تجاری بین المللی  
همایون مافی، مانده اصغرزاده  
تحلیل رویه احراز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی جهت رسیدگی به ازدواج اجباری  
محمدحسین رضائی قوام‌آبادی، پوریا ابراهیم زاده  
بازاندیشی حقوقی در استفاده از هوش مصنوعی برای اجرای مجازات حبس در ایران و نظام های حقوقی مختلف  
امیررضا محمودی، آتوشا ظفری کوره تاش  
حقوق فدراسیونی در فوتبال: رویکرد نظام‌های حقوقی ایران، فرانسه، انگلستان، آرژانتین، برزیل، اسپانیا و کلمبیا  
بهنام نورزاده  
تعارض آیین نامه ماده سوم قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول با قوانین و اصول حقوقی  
اکبر ایمان پور، سه‌نند نجادی ایجادکار  
شخصیت مجرمانه و رابطه آن با مجازات موثر  
مریم بهمنی، مصطفی کرمی پور  
چالش‌ها و موانع تفسیر قراردادها در حقوق ایران  
فرزین یزدان پناه، محمدرضا نصیری  
تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی  
علیرضا درائی، سیدابراهیم مرتضوی، امیرحسین ابوالحسنی  
طلاق به درخواست زن در نظام حقوقی ایران  
محمد احمدی، حلما سادات ذریه کرمانشاهی  
ماهیت کیفری قرعه کشی های آنلاین در حقوق ایران  
محمدحسین حاجب، زهرا ربانی، رویا آسیایی  
قرارداد بیع متقابل در نظام حقوقی ایران  
صادق محبی، محمدعلی جهانی  
ویژگی ها و خصوصیات جرائم سایبری در نظام کیفری ایران  
سیده الهه بابونکی  
بررسی حق اشتغال زنان در حقوق بین الملل  
حبیب اله عبدالله پور، سما خدایاری  
اثرگذاری اقدامات تأمینی و تربیتی در بازاجتماعی شدن بزهکاران نوجوان؛ نمونه پژوهی مجتمع قضایی شهید فهمیده  
لیلا احدی  
مقابله به مثل در قرآن کریم و جایگاه آن در سیاست کیفری اسلامی  
رژین مسعودی، جمال رضایی حسین آبادی  
واکاوی حقوقی ساختار نظارتی بازار غیرمتشکل پولی در ایران: از ابهامات مفهومی تا چالش‌های تقنینی و اجرایی  
علی بابایی  
تأثیر نهادهای مستقل بین المللی بر کارآمدی تحریم ها در حقوق تجارت بین الملل  
الهه قربان کریمی  
بر مدار مصلحت عالیه کودک؛ تحلیل حضانت با رویکرد حقوقی، فقهی و روان‌شناختی تا شناخت خلاهای تقنینی  
مونا کمیلی  
بازپروری حقوق بشردار و محدودیت های آن در نظام کیفری ایران  
امین رضا بهار فلامرزی  
تحلیلی بر مسئولیت محض مدنی در حوادث صنایع شیمیایی؛ مطالعه موردی واحدهای تولید متانول ایران  
محمد جوکار، ساسان وزین پور  
آسیب شناسی مجازات سالب حیات در حقوق کیفری ایران  
محمدرضا رضائی  
اجرای مقررات ملی شدن اراضی در خصوص اراضی وقفی با تاکید بر رویه قضایی  
اسماعیل چوگانی  
سیاست کیفری بین‌المللی در قبال نسل کشی: تحلیل تطبیقی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی  
علی هادیان حقیقی، صابر سیاری زهان  
تحلیل جرم شناختی کولبری در مناطق مرزی ایران و مقایسه آن با قاچاق کالا  
مرتضی هاشم پور  
چالش ها و آسیب های حقوقی موسسات اعتباری غیرمجاز در نظام پولی ایران  
امین امینی نژاد  
تأثیر اختلال کارکرد قشر پیش‌پیشانی بر مسئولیت کیفری در جرم قتل عمدی  
حمید غیاثی، مهدی شعبان زاده  
هوش مصنوعی و حق بر محاکمه عادلانه در پرتو قانون اساسی ایران  
پوریا ژولیده  
تأثیر مخارج و پدیده دولت بر رشد بازار سهام در ایران  
راضیه جنتی نژاد  
جایگاه نهاد طرف معامله مرکزی در معاملات فرامرزی و تأثیر آن بر اصل نسبی بودن قراردادهای حقوق ایران، اروپا و ایالات متحده آمریکا  
عارفه قاسم زاده ده آبادی  
راهکارهای پیشگیری و مقابله با جرائم سایبری  
احمد پدیدار



## Pathology of Lethal Punishment in Iranian Criminal Law

## آسیب‌شناسی مجازات سالب حیات در حقوق کیفری ایران

Mohammadreza Rezaei

Master of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran

محمدرضا رضایی

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران

mohammadreza.rezaei.lawer@gmail.com

### Abstract

Capital punishment is the most severe punishment prescribed in criminal law for certain crimes and is usually imposed on criminals who commit serious crimes. This punishment has undergone many changes throughout history in various aspects, along with other aspects of criminal law, and often had a wide scope in ancient laws. In any case, the evolution of the death penalty from the beginning of the codification of the laws to the present day is quite tangible. The views of the heavenly religions and various schools of criminal law on death penalty are examined and it becomes clear that as time passed and the Renaissance approached, the images related to this punishment weakened and the schools of justice suggested alternatives such as exile, imprisonment, and other types of deterrent and corrective punishments instead of death penalty. Among supporters and opponents of this punishment, the reasons for those in favor include maintaining justice and creating fear to maintain security, while opponents point to the negative consequences for the offender's family, the possibility of errors in the execution of the sentence, and the negative effects on society.

**Keywords:** Crimes Involving Loss of Life, Pathology, Murder.

### چکیده

مجازات سالب حیات شدیدترین مجازاتی است که در قوانین جزایی برای برخی جرایم تعیین شده و معمولاً به مجرمان مرتکب جرایم سنگین اعمال می‌شود. این مجازات در طول تاریخ از جنبه‌های گوناگون با سایر مباحث حقوق کیفری دچار تغییرات زیادی شده و اغلب در قوانین قدیم دامنه گسترده‌ای داشت. به هر حال، تحول مجازات سالب حیات از ابتدای تدوین قوانین موضوعه تا به امروز کاملاً ملموس است. دیدگاه‌های ادیان آسمانی و مکاتب مختلف حقوق جزا درباره سالب حیات بررسی شده و روشن می‌شود که با گذشت زمان و نزدیک‌تر شدن به دوران رنسانس، تصویرهای مربوط به این مجازات تضعیف شده و مکاتب عدل، به جای سالب حیات گزینه‌هایی مانند تبعید، حبس و دیگر انواع مجازات‌های بازدارنده و اصلاحی را پیشنهاد می‌کنند. در میان طرفداران و مخالفان این مجازات، دلایل موافقان از جمله حفظ عدالت و ایجاد ترس برای حفظ امنیت تلقی می‌شود، در حالی که مخالفان به پیامدهای منفی برای خانواده مجرم، احتمال اشتباه در اجرای حکم و اثرات منفی بر جامعه اشاره می‌کنند.

**واژگان کلیدی:** جرائم مستوجب سالب حیات، آسیب‌شناسی، قتل.

ارجاع:

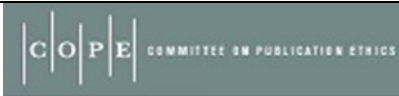
رضائی، محمدرضا؛ (۱۴۰۵)، آسیب‌شناسی مجازات سالب حیات در حقوق کیفری ایران، تمدن حقوقی، شماره ۲۷.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



**مقدمه**

پذیرش اجتماعی کیفر نخستین گام در استانداردسازی نظام کیفری است. این مهم حاصل نمیشود مگر با تعیین سیاست جنایی مناسب که با ارزشهای حاکم بر اجتماع هماهنگ باشد، ارزشهایی که در بستر تاریخ با ریشههای مذهبی و عرفی ایجاد شده‌اند. در این راستا، تعیین اهداف اصلی در پیشینی و اجرای کیفر و مصادیق متعدد آن امری مهم و اجتنابناپذیر است. به‌طور معمول در اکثر نظامهای کیفری از جمله ایران، قسم دوم، یعنی تعیین انواع کیفر با ذکر مصادیق آن، با دو یا سه درجه تقسیمبندی مشخص میشود. اما قسم نخست، یعنی «اهداف کیفر»، به‌عنوان سازه‌ها و ستونهای پنهان عمل کرده و قانون‌گذاران از پرداختن و مشخص کردن آن‌ها به عمد یا به سهو اجتناب می‌کنند (ظفری، ۱۳۷۶، ۱۵۳).

مجازات سالب حیات، شدیدترین تنبیه‌ای است که در قوانین کیفری پیش‌بینی شده و معمولاً به مجرمانی که مرتکب جرائم سنگین شده و به نظر نمی‌رسد قابل اصلاح باشند، تعلق می‌گیرد. این نوع مجازات به‌عنوان یک اقدام جنایی شناخته می‌شود و رویکردی شدید و رسوایی‌آور دارد؛ هدف آن حذف دائمی مجرم از جامعه است که این امر به نوعی جامعه را از خطر بزهکاری ناشی از وی مصون می‌سازد. حقوقدانانی در برخی کشورها به سلب حیات به‌عنوان مجازاتی که حقوق انسانی فرد را

زیرسؤال می‌برد، اعتقاد ندارند و بر این باورند که این عمل ممکن است عواقب منفی‌تری برای خانواده قربانی به دنبال داشته باشد.

با این حال، مجازات سلب حیات در تاریخ بشر سابقه‌ای طولانی دارد و در جوامع متمدن‌تری که به تنظیم قوانین اجتماعی و اقتصادی پرداخته‌اند، این نوع مجازات برای جرائم خاصی تصویب شده است. تا قرن هفدهم میلادی، مذمت کلی این مجازات در متون قانونی هم وجود داشته است. علاوه بر این، نگرش جامعه نسبت به مجازات سلب حیات تحت تأثیر عواملی چون دانش عمومی درباره قوانین، اعتقادات مذهبی و موقعیت اجتماعی افراد است. خصوصیاتمانند جنس، سن، تحصیلات و تجربه‌های قبلی از جرم نیز بر نگرش‌ها تأثیرگذار هستند. مسئله دیگر این است که در سیستم حقوقی ایران، دلایل زیادی برای اجرای مجازات سلب حیات وجود دارد و بی‌عدالتی در دادرسی ممکن است بر این موضوع تأثیر داشته باشد. طبق اصل حقوق بشر، هیچ فردی نباید به‌طور خودسرانه از حق حیات محروم شود و دولت‌ها تنها در صورت رعایت قوانین می‌توانند این حق را محدود کنند. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که به چه علت مجازات سلب حیات در ایران به‌طور گسترده‌ای اجرا می‌شود و آیا زیان‌هایی که مجرمان متحمل می‌شوند، قابل جبران است یا خیر؟ این پژوهش همچنین به بررسی نهادهای مرتبط با اجرای این مجازات‌ها، از جمله پلیس و مراجع قضایی، می‌پردازد.

موضوع سلب حیات باید از جنبه‌های تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و حقوقی بررسی شود و تأثیرات هر یک از این جنبه‌ها باید در جامعه تجزیه و تحلیل گردند. اهمیت بحث درباره سلب حیات به حدی است که هر گونه اشتباه در این زمینه می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. به علاوه، به دلیل وجود حکومت‌های غیرمذهبی و طاغوتی و عدم اجرای صحیح حقوق جزای اسلامی در مسائل کیفری، توجه به این موضوع به اندازه حقوق اسلامی انجام نشده است؛ بنابراین، ضروری است که به بررسی مسائل، احکام و اصول مربوط به این موارد پرداخته شود.

سلب حیات به‌عنوان شدیدترین نوع کیفر در نظام کیفری ایران در سه نوع از جرائم شامل قصاص، حدود و تعزیرات به‌عنوان کیفر تعیین شده است. در قسم نخست تحت عنوان قصاص نفس با

اوصاف و شرایط خاص خود و در اشکال دیگر تحت عنوان اعدام تعیین و اجرا میشود. در تعامل کیفر سلب حیات با سامانه فایدهگرایی و میزان تأثیرپذیری آن به لحاظ فلسفی از این بینش، نسبت به بازدارنده بودن این کیفر انتقادات و ایرادات بسیاری از سوی مخالفین وارد شده است، تا جایی که پذیرش این کارکرد در کیفر سلب حیات به شدت با تردید مواجه میشود و قاطعتر از آن، عدم همنوایی این کیفر با مفاهیمی نظیر بازپروری و عدالت ترمیمی است. تنها زمینهای که در آن کیفر سلب حیات به طور قطعی با سامان فایدهگرایی ارتباطی همسو برقرار می کند در ناتوانسازی یا سلب توان است، آن هم در شدیدترین قسم آن یعنی ناتوانسازی مطلق و دائمی. بر این اساس، کیفر سلب حیات به لحاظ فلسفی به بینش سزاگرایی بسیار نزدیکتر است، هرچند در مواردی نشانهایی اگرچه ضعیف از فایدهگرایی در آن مشاهده میشود. این در حالی است که این کیفر به واسطه اعمال اصول و ضوابط معین و پرهیز از اعمال سلايق شخصی هم در مرحله تعیین و هم در مرحله اجرا، از هر نوع اتهام، انتقامجویی و وحشیگری مبری است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹، ۳۶).

### ۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی سالب حیات

سلب حیات عبارتی ترکیبی از دو واژه سلب به معنای کندن، جدا کردن و حیات به معنای زنده بودن و زندگانی است؛ جمع این دو به معنای ستاندن و گرفتن زندگانی دیگری به قهر و بر خلاف میل او است. در معنای اصطلاحی، به گرفتن جان از طریق به دار آویختن بزهکار توسط محاکم قضایی تعریف میشود. این کیفر از ابتدای تشکیل اجتماعات انسانی به عنوان مجازات، طیف وسیعی از اعمال را در مقایسه با مواردی که امروزه با مجازات اعدام پاسخ داده میشوند دربرمیگرفت، جرائمی چون نزدیکی با حیوانات، جادوگری، توهین به مقدسات، اختلاس یا جرم دستدرازی به اموال پادشاه و غیره (نجفی ابرندآبادی و بادامچی، ۱۴۰۳، ۷۰)، یا در عهد عقیق پرستندگان بعل، والدینی که اجازه میدهند فرزندانشان ملک پیرستند، هر کسی که پدر و مادرش را دشنام دهد و روسپها (بروکس، ۱۳۹۵، ۲۳۹).

واژه سالب حیات در میان حقوقدانان برای اشاره به جرمی به کار می‌رود که منجر به از بین رفتن جان فرد به وسیله قوانین می‌شود. به عبارت دیگر، منظور از این اصطلاح، مفهومی مطلق و گسترده است که تنها به این معنا اشاره می‌کند که قانون می‌تواند جان افراد را سلب کند. به نظر می‌رسد استفاده از عبارت سالب حیات در قلمرو حقوقی و فقهی به صورت اصطلاحی متداول در آمده باشد و مفهوم اصلی سلب جان انسان از طریق قانون، بدون هیچ قرینه‌ای به ذهن برود. همچنین، باید توجه کرد که این مجازات، دارای یک معنای مشخص است و فقط به سلب جان انسان توسط قانون محدود می‌شود (مرادی، ۱۳۹۸، ۲۶۵). واژه سالب حیات از زبان عربی آمده و ریشه‌اش در مفهوم وجود نداشتن و نابودی است. این واژه از ساختار افعال به سمت باب مصدر می‌رود و در معنای نیستی و از بین رفتن به کار گرفته می‌شود. وقتی فردی با قتل، عملاً از هستی ساقط می‌شود، به او اصطلاحاً معدوم یا نابود شده اطلاق می‌شود.

مجازات سالب حیات یک نوع مجازات است و در بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا به‌عنوان یکی از اشکال کیفرها پیش‌بینی می‌شود که بر اساس رأی دادگاه‌های عمومی، کیفری، نظامی و مشابه آن اجرا می‌شود و از داشتن حیات منع می‌کند. این مجازات امری تازه نیست و تاریخچه‌ای طولانی دارد. در جامعه‌شناسی، سالب حیات را به‌عنوان یکی از کارکردهای کیفر در یک نظام حقوقی می‌نگرند که به نوعی وسیله‌ای برای حفظ نظم اجتماعی و کنترل هنجاری محسوب می‌شود. از نگاه دورکیم، جامعه‌شناس برجسته فرانسوی، قوانین هر جامعه با سطح توسعه و تکامل اجتماعی و فرهنگی آن همخوانی دارند و به نیازهای ساختاری روابط در هر دوره پاسخ می‌دهند. در جوامع اولیه و سنتی با اقتصاد مبتنی بر معیشت روزمره و روابط قبیله‌ای و ساختارهای غیردمکراتیک، اکثر قوانین هشداردهنده یا انتقام‌جویانه بودند و هدف شان ایجاد بازدارندگی و تنبیه بود. رهبران چنین جوامعی برای حفظ منافع خود از این ابزارها استفاده می‌کردند تا نظم موجود را تضمین کنند.

## ۲- دلایل مخالفان مجازات سالب حیات

### ۲-۱- دلیل مذهبی و فلسفی

یکی از اصلی‌ترین اعتراض‌های مخالفان سالب حیات از منظر اخلاقی و فلسفی این است که با استناد به آموزه‌های اخلاقی، واقعیت خشونت را ناپسند می‌شمارند و دست آخر نتیجه می‌گیرند که خشونت علیه خشونت صواب نیست؛ به این معنا که از دیدگاه بشردوستی و اصول تمدنی مدرن، حق حیات از حقوق بنیادی انسان‌ها است و اجرای چنین مجازاتی با این ارزش‌ها در تعارض می‌افتد. آیا سالب حیات درس عبرت است؟ چرا چنین ادعایی را می‌آوریم؟ آیا با این درس باید به خاموشی نسبت به قتل رسید؟ آیا کشتن افراد به واسطه مجازات می‌تواند «درس عبرت» محسوب شود؟ پاسخ به این پرسش‌ها این است که با وجود این که انسان آزادی فردی دارد، حق حیات او نیز از حقوق اساسی او است؛ اما اگر جامعه به وظیفه حفظ نظم و امنیت از طریق مجازات افراد مختل‌کننده نظم عمومی کوتاهی کند، آن گاه جامعه در معرض هرج و مرج قرار می‌گیرد. از این منظر، حق آزادی و حق حیات، مشروط به احترام به حقوق برابر دیگران است. با این وجود، جامعه نباید به هر بهانه‌ای و صرفاً برای تنبیه جرایم کوچک یا بزرگ، به از بین بردن حیات افراد مبادرت ورزد.

موافقان سالب حیات استدلال می‌کنند که برخی از متون دینی نسبت به حیات انسان‌ها به‌طور مطلق نگاه نکرده‌اند و قتل را در برخی شرایط مشروع دانسته‌اند. اگر این استدلال را بپذیریم، پاسخ مخالفان این است که در توجیه کیفرهایی مانند زندان یا تبعید نیز با وجود این که آزادی هدیه‌ای الهی است، مشکلاتی پدید می‌آید و از این رو چنین استدلالی به‌طور کامل پذیرفته نشده است.

### ۲-۲- امکان اشتباه در اجرا

مخالفان مجازات سالب حیات استدلال می‌کنند که در صدور رأی این مجازات احتمال خطای قضایی وجود دارد و چنین خطایی ممکن است ناشی از شهادت نادرست شاهدان، اسناد تقلبی یا کج‌فهمی نظریه کارشناس و مانند این‌ها باشد. وقتی چنین اشتباهی رخ دهد و مجازات اجرا شود، جبران

خسارت به سادگی ممکن نیست و این وضعیت را می‌توان بی‌عدالتی آشکار دانست. در پاسخ به این نکته، طرفداران سالب حیات می‌گویند که خطای قضایی تنها محدود به صدور حکم نیست و امکان اشتباه دادگاه در سایر مجازات‌ها نیز وجود دارد؛ به‌علاوه، آثار زیان‌بار طولانی‌مدت حبس برای سلامت جسمی و روحی محکومان نیز غیرقابل جبران است. با این وجود، تا زمانی که اشتباهات جدی و غیرمتعارفی رخ ندهد و مجازات سالب حیات به‌جای خود باقی بماند، فایده و ضرورت اجتماعی این حکم روشن است. از سوی دیگر، اشتباه در اجرای مجازات به معنی لغو یا از بین رفتن آن نیست؛ بلکه راهکارهایی مانند تقویت آموزش‌های به‌کارگیری مأموران، دشوارتر ساختن فرایند اثبات جرائم منطبق با سلب حیات و تضمین امکان تجدیدنظر برای متهمان می‌تواند احتمال بروز خطاهای قضایی را به حداقل برساند یا به صفر نزدیک کند.

### ۲-۳- عدم توجه به امکان اصلاح مجرم

مخالفین مجازات سالب حیات می‌گویند که هیچ فردی را نمی‌توان ذاتاً غیرقابل اصلاح دانست؛ درحالی‌که با سالب حیات مجرم، امکان اصلاح و بازگشت وی به جامعه از بین می‌رود و در واقع به جای حل مسئله صورت مسئله پاک می‌شود. موافقین سالب حیات در پاسخ می‌گویند اولاً این که اگر هدف اصلی مجازات‌ها را اصلاح مجرمین بدانیم محل شک و تردید است. برای مجازات مجرم اهداف مهم‌تری مثل اجرای عدالت و حفظ اجتماع از جرائم مشابه نیز وجود دارد. ثانیاً، آمار موجود نشان می‌دهد که اکثر قاتلین تحت شرایط خاصی مرتکب قتل شده و مجدداً مرتکب قتل نمی‌شوند؛ بنابراین، چنان چه اصلاح مجرم هدف اصلی ما در مجازات کردن قاتلین باشد اساساً در بسیاری از موارد، نیازی به مجازات قاتل نیست؛ به‌علاوه تجربه ثابت کرده است که برخی از مجرمین غیرقابل اصلاح هستند یا لاقلاً اصلاح آن‌ها برای ما با ابزار و شیوه‌های موجود، ممکن نیست. مسلماً این امر دلیلی برای عدم مجازات آن‌ها نمی‌باشد.

## ۲-۴- اثر سوء سالب حیات بر خانواده مجرم

مخالفین مجازات سالب حیات بر این عقیده هستند که کشتن شخصی که مستوجب سالب حیات می‌باشد، باعث شده است آثار مخرب و زیان باری بر خانواده وی گذاشته، شیرازه زندگی آن‌ها از هم پاشیده شده است، بدون این که خانواده وی گناهی در ارتکاب جرم داشته باشند که قابل سرزنش باشند. خانواده مجرم بدون این که دخالتی در ارتکاب جرم داشته باشند، مادام‌العمر از نبود وی رنج می‌برند.

در جواب موافقین می‌گویند اولاً اگر مجازات کردن مجرم را در واقع اجرای عدالت بدانیم صرف این که سالب حیات آثار منفی بر خانواده مجرم بر جای می‌گذارد، نمی‌توان معجز خودداری از سالب حیات قاتلین که خودشان بانی و باعث از هم پاشیدن شیرازه خانواده و زندگی‌شان می‌شوند را صادر کرد. ثانیاً: بهترین و اصلی‌ترین مجازاتی که مخالفین مجازات سالب حیات ارائه می‌دهند حبس ابد می‌باشد که چه بسا بیش از سالب حیات بر خانواده مجرم اثر گذاشته و مثلاً همسر وی را تا مدت‌های مدید از ازدواج مجدد و آغاز یک زندگی نوین محروم سازد.

## ۳- دلایل موافقان مجازات سالب حیات

### ۳-۱- تضمین اجرای عدالت

طرفداران مجازات سالب حیات بر این باورند که برای برخی جرائم، مانند قتل عمدی همراه با آزار و اذیت جنسی، این مجازات عادلانه‌ترین و مناسب‌ترین راه برای برخورد با مجرم است. از نظر آنان کسی که با بی‌رحمی جان فردی را می‌گیرد، سزاوار چنین مجازاتی است تا عدالت اجرا شود.

مخالفان این مجازات می‌گویند که خود اقدام قتل مجرم، از سوی فرشته عدالت، عملی قبیح است و از نظر اخلاقی همسنگ با جرم است یا حتی از آن هم بدتر است؛ زیرا قاتل ممکن است با انگیزه‌های مختلفی مانند تحریک قربانی یا فشارهای هیجانی مرتکب قتل شود، درحالی که جامعه با نگاه سرد و بی‌احساس به این اقدام می‌نگرد. ضمن این که مقتول از مرگ خود بی‌خبر بوده و ناگهان کشته می‌شود، اما مجرم معمولاً باید مدت‌ها انتظار مرگ را بکشد و این وضعی است که عذاب‌آور و

دشوارتر می‌نماید. موافقان سالب حیات پاسخ می‌دهند که انگیزه این مجازات، واکنش اصلاحی و بازدارنده نسبت به رفتار مخرب فرد است و جامعه حق دارد از خود دفاع کند و برخورد شدیدتری با مهاجم داشته باشد تا موجبات آسیب دوباره به وجود نیاید؛ در نتیجه اجرای چنین حکمتی را توجیه‌پذیر می‌دانند. ازسوی دیگر، مخالفان در پاسخ به این دیدگاه اظهار می‌کنند که برای چنین مجرمانی، سایر مجازات‌ها مانند حبس دائمی می‌تواند به اندازه کافی آزاردهند باشد و اگر به این نتیجه برسیم که عدالت، کشتن قاتل را امری ضروری می‌داند، باید از کیفر قصاص به تمام ابعاد آن چشم‌پوشی داشته باشیم. امروزه در برخی نظام‌های حقوقی که باورهای مذهبی در آن کمتر نفوذ دارد، این نوع حکم پذیرفته شده است.

### ۳-۲- اربعاب

یکی از اهداف مجازات، ایجاد ترس در مجرم<sup>۱</sup> و سایر مردم<sup>۲</sup> از ارتکاب جرم در آینده است. بر اساس نظریه سودمندی مجازات سالب حیات با ایجاد وحشت و ترس در دیگران این فایده را خواهد داشت که آن‌ها دست خود را با ارتکاب جرائم، به‌ویژه جنایت آلوده نسازند. این که ادعا شده است حبس ابد جانسین سالب حیات شود، باید گفت که حبس ابد امکان دارد در پیشگیری فردی مؤثر باشد؛ ولی در پیشگیری عمومی و عبرت دیگران تأثیری نخواهد داشت؛ به علاوه از لحاظ روانشناسی اجتماعی رعب و وحشتی که مجازات سالب حیات در انسان ایجاد می‌کند، مجازات سالب آزادی چنین تأثیری به‌جانمی‌گذارد (مؤذن‌زادگان و جهانی، ۱۴۰۱).

مخالفان سالب حیات بر این عقیده هستند از روزی که علنی بودن اجرای مجازات سالب حیات در کشورها لغو گردید اعتبار اربعاب و عبرت جمعی آن نیز دچار خدشه گردید. به گفته آلبر کامو اگر بخواهند مجازات سالب حیات باعث عبرت شود باید ماشین سالب حیات را در میدان‌های

1- special Deterrence

2- General Deterrence

پرجمعیت شهرها بگذارند و تمام مردم را دعوت کنند و تشریفات سالب حیات را به وسیله تلویزیون برای غایبان نشان بدهند؛ در غیر این صورت، بحث از اثر عبرت در اعمال کیفر را باید متوقف سازند (توجهی و قربانی قلیجلو، ۱۳۸۸). همچنین، مخالفین مجازات مرگ معتقدند که حتی اگر مجازات مرگ واجد اثر سازنده باشد، مجازات جایگزین مرگ نیز می‌تواند چنین اثری داشته باشد؛ لذا برای چنین افرادی، مجازات طولانی ابد به نظر سخت‌تر و شدیدتر خواهد بود و بیشتر از سالب حیات اثر بازدارندگی خواهد داشت.

### ۳-۳- جلوگیری از ارتکاب جرم توسط افرادی مثل محکومین به حبس دائم

مخالفان سالب حیات استدلال می‌کنند که با تکیه بر آمارهای نشان‌دهنده بدون تغییر سطح جرم‌ها، این مجازات نتوانسته بازدارندگی لازم را ایجاد کند. به جای آن، برخی پیشنهاد می‌کنند که به جای سالب حیات، می‌توان حبس ابد را جایگزین کرد. یکی از دیدگاه‌های موافقان این است که لغو سالب حیات و جایگزینی آن با حبس دائمی می‌تواند به این معنا برسد که محکومان چنین مجازاتی را تهدیدی جدی برای بازداشت نخواهند دید و ممکن است به اعمال خشونت علیه زندانیان و هم‌بندان مبادرت ورزند.

در پاسخ، مخالفان اشاره می‌کنند که برخی از کشورهایی که این مجازات را کنار گذاشته‌اند، آمار نشان می‌دهد که میزان قتل توسط افراد سابقاً محکوم کاهش نیافته است. همچنین، مطرح می‌شود که حبس دائمی از نظر عملی می‌تواند درجات مختلفی داشته باشد؛ با اعمال محدودیت‌ها و طولانی‌تر کردن وضع زندانیان و کنار گذاشتن فرصت‌های آزادی، می‌توان از ارتکاب جرائم درون زندان تا حدی جلوگیری کرد. با این حال، واقعیت این است که حبس دائمی معمولاً به معنای واقعاً ابدی نیست و امکان خروج از زندان وجود دارد که این مسئله می‌تواند نهایتاً به تشویق به رفتار بهتر در محیط زندان منجر شود.

### ۳-۴- جلوگیری از تحمیل هزینه‌های گزاف زندان به مردم

موافقان با سالب حیات بر این باورند که با اجرای این حکم، جامعه از بار هزینه‌های نگهداری فرد مجرم در زندان آزاد می‌شود و دیگر لازم نیست از درآمدها و سرمایه‌های خود افراد برای تأمین مخارج او استفاده کند. در این دیدگاه، سالب حیات تنها یک روش ساده و کم‌هزینه است که هدف اصلی طرد مجرم را هم محقق می‌کند، بدون این که فشار مالی زیادی به مردم وارد شود. از منظر موافقان، هزینه‌های گزاف نگهداری افراد در زندان برای جامعه قابل توجیه نیست.

در برابر این نظر، مخالفان سالب حیات مطرح می‌کنند که هرچند این مجازات غیرقابل بازگشت است، اما اجرای آن مستلزم دقت فراوان و رعایت تشریفات قانونی است و در کل هزینه‌های مربوط به فرایند دادرسی و اجرای حکم به اندازه یا کمتر از هزینه‌های نگهداری طولانی مدت زندان نیست. علاوه بر این، برخی استدلال می‌کنند که فراهم آوردن فرصت‌های اشتغال برای زندانیان داخل زندان می‌تواند بخشی از هزینه‌ها را تأمین کند؛ به این ترتیب فرد محکوم با کار در داخل زندان، بخشی از مخارج زندگی خود و خانواده‌اش را تقبل می‌کند.

### ۴- ابهام در جرم انگاری‌های مستوجب سالب حیات

قوانین کیفری کشور ما باید حداکثر صراحت را داشته باشد، باید دست قضات را ببندد، در مورد سالب حیات باید صراحت بیشتر باشد، متأسفانه قانون‌گذار مواردی که سالب حیات دارد را کلی گویی کرده، انگار خواسته سالب حیات را انجام دهد (حاجی‌ده‌آبادی و غریبی، ۱۴۰۳). قانون‌گذار ما در موضوعاتی مانند خیانت در امانت، تک‌تک ارکان جرم را توضیح می‌دهد؛ اما در مورد اهانت به مقدسات اسلامی، ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ به‌طور مبهم و کلی صحبت می‌کند و بازگو می‌کند که اگر شخص به مقدسات اسلام یا پیامبر و ائمه اهانت کند و مشمول حکم سالب النبی باشد، به سلب حیات محکوم می‌شود و در غیر این صورت با مجازات حبس از یک سال تا پنج سال روبرو می‌شود و ممکن است عفو یا تخفیف نیز شامل حال مرتکب گردد.

لازم است مانند موضوع خیانت در امانت، ارکان جرم ساب النبی به صورت روشن و مشخص بیان شود و مصادیق آن مشخص گردد؛ زیرا در حال حاضر متن قانونی در این خصوص خاموش است و نیازمند مراجعه به فقه برای توضیح مفهوم سبب و دامنه آن می‌باشد. اهانت به مقدسات اسلامی یکی از عناوین مجرمانه است که در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ به عنوان جرم عمومی تلقی می‌شود و می‌توان آن را از دسته جرائم دینی و مذهبی دانست. باین حال، ابهامات فراوانی در احکام مربوط وجود دارد که کار قضایی را دشوار می‌کند و نیازمند بررسی دقیق جوانب مختلف است.

اهانت به مقدسات باید در قالب آن چه در دین اسلام محترم شمرده می‌شود بررسی شود و صرفاً به اهانت‌هایی که به عنوان ویژه یا خاص در قانون آمده تعریف گردد. به طور نمونه، ساب النبی به معنای دشنام گفتن به پیامبر اکرم (ص) است، هرچند در کتب فقهی این مفهوم محدود به متن لغوی نیست و دامنه‌ای وسیع‌تر یافته است. برخی روایات سبب النبی را منحصر به پیامبر اسلام (ص) نمی‌دانند؛ در عین حال روایاتی نیز وجود دارد که به اسقاط و حذف برخی از پیامبران اشاره دارد. این اختلاف دیدگاه میان فقها باعث می‌شود که تعریف دقیق سبب النبی در فقه با اختلاف مواجه باشد. همچنین، دشنام به برخی از اهل بیت یا مادر و همسر پیامبر نیز در میان فقها موضع گیری‌های گوناگون دارد.

با استشهاد به فقه و روایات، مشخص است که اهانت به مقدسات اسلامی گاهی به محتوای دشنام و گاهی به مصادیق خاصی از افراد مربوط می‌شود و تعیین مصداق‌ها نیازمند مراجعه به منابع شرعی و متن روایات است. از سوی دیگر ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و دیگر مستندات قانونی واژه مقدسات اسلامی را به طور کلی بیان کرده‌اند و تفسیری روشن ارائه نکرده‌اند؛ از این رو، قضات بر اساس اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موظف‌اند منابع شرعی را بررسی کنند.

## نتیجه

امروزه هدف از کیفرها صرفاً از تنبیه فراتر رفته و به سمت اصلاح و بازگرداندن فرد به زندگی عادی اجتماعی سوق یافته است تا از گرایش‌های اخیر به نقض هنجارهای اجتماعی کاسته شود. دیگر تصور نمی‌شود که مجرم فقط یک آفت حذف‌شدنی است؛ او به‌عنوان یک عضو جامعه دیده می‌شود که قابلیت ترمیم و بازپروری دارد. از این منظر، اجرای مجازات مرگ با این رویکرد همسو نیست و به طرز قابل توجهی با اهداف اصلاح‌گرایانه مغایرت دارد. بنابر این، پایه‌های قدیمی که اجرای مجازات‌های سنگین را توجیه می‌کردند مانند برخورد شدید با جرایمی که با باورهای دینی یا آداب اجتماعی مخالف‌اند، در جهان نوین به نقد کشیده شده و در برخی جوامع، به دلیل احترام به کرامت انسانی و حقوق بنیادین، اجرای آن منتهی دانسته می‌شود. این دیدگاه عموماً در کشورهای مطرح است که قوانین شان مبتنی بر مذهب نیست.

با بررسی هدف از وضع مجازات‌های شدید در جرائم حدی و قصاص، به این نتیجه می‌رسیم که اگرچه در نگاه نخست به نظر می‌رسد هدف از این اراده، اجرای قطعی و حتمی است، ولی با استناد به برخی منابع دینی و فتاوی و دیدگاه‌های فقهی مشخص می‌شود که هدف اولیه و بنیادی از تشریح این مجازات‌ها اجرا نبوده است؛ بلکه نوعی بازدارندگی، اصلاح و تربیت مجرم و بازگرداندن او به زندگی عادی اجتماعی مدنظر بوده است تا از گرایش فرد به نقض هنجارهای اجتماعی جلوگیری شود. به این ترتیب، نگاه به قتل‌های قانونی به‌عنوان ابزار پاکسازی جامعه دیگر با این رویکرد همسو نیست و حتی در شدیدترین جرائم، اهمیت بیشتری برای جنبه‌های پیشگیرانه و بازدارنده قائل می‌شود تا صرفاً اعمال کیفر بدون توجه به آثار جانبی آن.

درباره وضعیت مجازات سالب حیات در قالب جرائم بازدارنده به این نکته می‌رسیم که با توجه به مبنای فکری قابل پذیرش، اگر جامعه و اراده غالب آن چنین تشخیص دهد که در برخی جرائم، بهترین و مؤثرترین پاسخ مجازات اعدام است، اختیار اعمال آن به این جامعه واگذار می‌شود، مشروط به این

که از منظر فلسفی و مبانی حقوقی این حق برای جوامع اعتبار داشته باشد. اما این تصمیم نباید از سوی افراد عادی اتخاذ گردد و لازم است که متخصصان و کارشناسان علوم مختلف حقوقی با اتکاء به شواهد علمی، به این نتیجه برسند که اعدام می‌تواند مفید و مؤثر باشد. نتیجه این که عملاً اکثر صاحب‌نظران معاصر معتقدند که مجازات سالب حیات در جرائم بازدارنده کارایی لازم را ندارد و فاقد اثر بازدارنده و مفید است. مسئله دیگری که به مجازات‌های بازدارنده مربوط می‌شود، بررسی چگونگی تعامل بین سالب حیات و اثر بازدارندگی در جرائم مورد نظر است. اگر بازدارندگی را به معنای ارباب و جلوگیری تعریف کنیم، بی‌شک سالب حیات قدرتمندترین ابزار برای چنین نقشی خواهد بود؛ زیرا جان انسان نزد همه فطرتاً ارزشمندتر از هر چیز دیگری است. اما اگر هدف بازدارندگی به صورت فردی و خصوصی باشد، اجرای چنین کیفرهایی مطمئناً آن هدف را تأمین نمی‌کند و تناقضی آشکار میان سلب حیات و فلسفه بازدارندگی پدید می‌آید. بر این اساس، با استناد به دلایل شرعی و استدلال‌های علمی، پذیرش بازدارندگی فردی برای این دسته از جرائم غیر مفید فرض می‌شود.

### پیشنهاد

اول- پژوهش بیشتر درباره مجازات رجم: نیاز است تحقیقات عمیق‌تری در مورد مجازات رجم انجام و نظریات فقهاء، جامعه‌شناسان و روانشناسان مدنظر قرار گیرد. دوم- دامنه استفاده از سالب حیات: این مجازات تنها برای شدیدترین جرائم امکان‌پذیر است و نباید از موارد بین‌المللی با عواقب خطرناک فراتر رود. همچنین، نباید برای جرائم غیرخسونت‌آمیز مانند جرائم اقتصادی و مالی، یا جرم‌هایی که در آن‌ها رضایت وجود دارد، به کار رود و نباید به صورت اجباری اعمال گردد. سوم- وضعیت اجرای مجازات و حفظ کرامت: باید اجرای این مجازات به گونه‌ای باشد که کمترین آزار و شکنجه برای محکومان داشته باشد و از دید عموم و هرگونه تحقیرآمیز بودن نیز دور بماند. چهارم- مفهوم افساد فی‌الأرض و محاربه در قانون احتیاطی عمل شود تا مجازات سالب حیات تعزیری برای جرائم مربوط به دوره‌ای که در زمان شارع نبود، به‌عنوان افساد فی‌الأرض ارزیابی نشود و عناوین افساد

فی الأرض و محاربه که در کنار هم نیامده‌اند، جدا نگه داشته شوند. تنها به عبارت افساد فی الأرض بسنده گردد که ترکیبی از دو ترکیب «محاربه با خدا و رسول» و «ساعی فساد در زمین» است. لزوم تعیین شاخص‌ها و مراتب چهارگانه مجازات‌ها نیز برای جلوگیری از سوءبرداشت یا سوءاستفاده از مفاهیم در نظر گرفته شود. پنجم - روشن شدن ماهیت سالب حیات در جرائم مواد مخدر: از آن جا که ماهیت این کیفر هنوز روشن نیست، در صورت ضرورت و با مصلحت، ممکن است با ماهیت بازدارنده به‌طور قانونی توضیح داده شده و صراحتی در متن قانون پیدا کند.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

### فارسی

- اکبری، جهاندار؛ آشوری، محمد؛ اردبیلی، محمدعلی؛ صفاری، علی، ۱۳۹۹، فلسفه سلب حیات با نگاهی بر حقوق کیفری ایران، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۳۰.
- بروکس، تام، ۱۳۹۵، **مجازات**، ترجمه محمدعلی کاظم نظری، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- توجهی، عبدالعلی و قربانی قلجلو، مهدی، ۱۳۸۸، منع مجازات مضاعف، آراء، مبانی و ادله موافقان و مخالفان با مطالعه تطبیقی در آراء مراجع عظام تقلید، **دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی**، شماره ۲۹.
- حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی و غریبی، آرش، ۱۴۰۳، سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ با تأکید بر معیار جامعیت و تناسب، **فصلنامه مجلس و راهبرد**، شماره ۱۲۰.
- ظفری، محمدرضا، ۱۳۷۶، مبانی عدالت جزایی، **دوفصلنامه نقد و نظر**، شماره ۱۰ و ۱۱.

- مرادی، امیر، ۱۳۹۸، اخلاق حرفه‌ای قانون‌گذاری کیفری با تأکید بر نظام حقوقی ایران، **فصلنامه تحقیق و**

**توسعه در حقوق تطبیقی**، شماره ۲.

- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و جهانی، بهزاد، ۱۴۰۱، اصل قضایی کردن اجرای آرای کیفری و چالش‌های آن در

حقوق کیفری ایران، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۹۹.

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین و بادامچی، حسین، ۱۴۰۳، **تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین**، چاپ سوم،

تهران، انتشارات سمت.

# Legal Civilization

ISSN: 2873-1841  
ISSN: 2873-1922

No.27- Spring 2026

- Burden of Proof and Admissibility and of Evidence in International Commercial Arbitration  
Homayoun Mafi, Maedeh Asgharzadeh
- Analysis the Practice of Determining the Jurisdiction of the International Criminal Court to Adjudicate Forced Marriage  
Mohammad Hossein Ramezani Ghavamabadi, Pouria Ebrahimzadeh
- Legal Rethinking of the Use of Artificial Intelligence for the Enforcement of Punishment  
Amirreza Mahmoudi, Anusha Zafari Kore Tash
- Federative Rights in Football: Approaches of the Legal Systems of Iran, France, England, Argentina, Brazil, Spain and Colombia  
Behnam Noorzadeh
- Conflict of the Regulation of the Third Article of the Mandatory Formal Registration of Immovable Properties with Laws and Legal Principles  
Akbar Iman Poor, Sahand Nejadi Ijadkar
- Criminal Personality and Its Relationship with Effective Punishment  
Maryam Bahmai, Mostafa Karamipour
- Challenges and Obstacles to Interpreting Contracts in Iranian Law  
Farzin Yazdan Panah, Mohammadreza Nasiri
- Measures to Prevent Financial Corruption in the Banking System  
Alireza Deraei, Sayyed Ebrahim Mortazavi, Amirhasan Abolhasani
- Divorce at the Request of the Woman in the Iranian Legal System  
Mohammad Ahmadi, Helma Sadat Zorrieh Kermanshahi
- Assessing the Criminal Nature of Online Lotteries in Iranian Law  
Mohammadhossein Hajeb, Zahra Rabbani, Roya Asiaei
- Mutual Sale Contract in the Iranian Legal System  
Sadegh Mohebbi, Mohammadali Jahani
- Features and Characteristics of Cybercrimes in the Iranian Criminal System  
Seyedeh Elaheh Babonaki
- Studying the Right to Employment of Women in International Law  
Habibolah Abdollah Poor, Sama Khodayari
- The Effectiveness of Security and Educational Measures in the Resocialization of Juvenile Delinquents; A Case Study of Shahid Fakhmideh Judicial Complex  
Leila Ahadi
- Retaliation in the Quran and its Place in Islamic Penal Policy  
Rojin Masoudi, Jamal Rezaei Hossein Abadi
- a Legal Analysis of the Regulatory Structure of the Unorganized Monetary Market in Iran: from Conceptual Ambiguities to Legislative and Executive Challenges  
Ali Babaei
- The Impact of Independent International Institutions on the Effectiveness of Sanctions in International Trade Law  
Elahe Ghorban Karimi
- Based on the Best Interests of the Child; an Analysis of Custody with a Legal, Jurisprudential and Psychological Approach to Identifying Legislative Gaps  
Mona Komeyli
- Human Rights-Based Rehabilitation and Its Limitations in the Iranian Penal System  
Amin Reza Bahar Falamarzi
- an Analysis of Strict Civil Liability in Chemical Industry Accidents; a Case Study of Iranian Methanol Production Units  
Mohammad Jokar, Sasan Vazin Pour
- Pathology of Lethal Punishment in Iranian Criminal Law  
Mohammadreza Rezaei
- Implementing Regulations on Land Nationalization, Especially Endowment Lands, with Emphasis on Judicial Practice  
Esmaeil Chogani
- International Criminal Policy Against Genocide: A Comparative Analysis in International Criminal Tribunals  
Ali Hadian Haghighi, Saber Sayyari Zohan
- Criminological Analysis of Kolbari in the Border Areas of Iran and its Comparison with the Kalba  
Morteza Hashem Pour
- Legal Challenges and Harms of Unauthorized Accredited Institutions in the Iranian Monetary System  
Amin Aminl Nezhad
- The Impact of Prefrontal Cortex Dysfunction on Criminal Responsibility in the Crime of Intentional Murder  
Hamid Ghiasi, Mehdi Shaban Zadeh
- Artificial Intelligence and the Right to a Fair Trial in Light of the Iranian Constitution  
Pouria Zhoulideh
- Impact of Government Expenditure and Debt on Stock Market Growth in Iran  
Razieh Hojjati Nezhad
- the Position of the Central Counterparty Institution and Its Impact on the Principle of Privity of Contracts in Cross Border Transactions in the Legal Systems of Iran, Europe and the United States of America  
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- Strategies to Combat and Deal with Cybercrime  
Ahmad Padidar